



Examining the representation of gender roles public From the perspective of Islam In elementary school textbooks

Moones Sayyah¹ | Golnaz Shojaati² | Niloofar Sharafi³ | Mahdieh Movahedrad⁴ 

DOR: 20.1001.1.26454955.1403.19.69.2.7

Abstract

The purpose of this study is to investigate how gender roles represented during the elementary school as a golden age and effective in construction the foundation of students' thought in the first and second grade textbooks. The method of this research is quantitative content analysis based on the indicators that have been earned using the opinion of experts in the field of women and family and based on the Delphi method. Qualitative content analysis has also been used to analyze the quality of representations in images and textbooks. Findings show that during primary school, there is no specific order and planning to identify and institutionalize gender concepts based on Islamic teachings. The role of women in the family is small and there is not much mention of their presence in the home or the desired way of employment and their social presence. Despite the importance of explaining and institutionalizing the original positions of men and women in the family and society from childhood and in elementary school, the attention of textbooks to the issue of gender roles is very low and is not evaluated in accordance to the policies adopted in the upstream documents and should be reviewed.

Keywords: Gender Representation, Gender roles, Textbooks, Content Analysis.

Research Paper

Received:
30 November 2023

Revised:
23 April 2024

Accepted:
08 June 2024

Published:
21 December 2024

P.P: 47-68

ISSN: 2645-4955
E-ISSN: 2645-5269



1. Doctor of Theology, Associate Professor of Sharif University of Technology, Department of Islamic Studies, Tehran, Iran
2. Corresponding Author: Doctoral student of Technology Management, Faculty of Management and Soft Technologies, Malik Ashtar University of Technology, Tehran, Iran. golnaz.shojaati@gmail.com
3. Doctoral student of science and technology policy, Faculty of Management and Economics, Sharif University of Technology
4. PhD in science and technology policy, knowledge management, economics and engineering, University of Science and Technology.

Cite this Paper: Sayyah'M & Shojaati' G, Sharafi'N, Movahedrad'M Examining the representation of gender roles public From the perspective of Islam In elementary school textbooks. The Women and Families Cultural-Educational, 69(19), 47–68.

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۹
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

صص: ۶۸-۴۷

شابا چاپی: ۴۶۴۵-۴۹۵۵
الکترونیکی: ۵۲۶۹-۲۶۴۵



بازنمایی نقش‌های جنسیتی از منظر اسلام و فمینیسم در کتب درسی مقطع ابتدایی

مونس سیاح^۱ | گلناز شجاعتی^۲ | نیلوفر شرفی^۳ | مهدیه موحدراد^۴

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی چگونگی بازنمایی نقش‌های جنسیتی در طول دوران ابتدایی به عنوان دوران طلایی و تاثیرگذار در ساخت زیربنای اندیشه دانش‌آموزان، در کتب دوره‌ی اول و دوم دبستان است. روش: روش این تحقیق، تحلیل محتوای کمی بر اساس شاخص‌هایی است که با استفاده از نظر خبرگان حوزه زن و خانواده و بر اساس روش دلفی احصا شده است. همچنین از تحلیل محتوای کیفی برای تحلیل کیفیت بازنمایی‌ها در تصاویر و متون درسی (از سال ۹۶ تا ۱۴۰۰) نیز استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد در طول دوران تحصیلی دبستان، نظم و برنامه‌ریزی مشخصی به منظور هویت بخشی و نهادینه سازی مفاهیم جنسیتی بر اساس آموزه‌های اسلامی وجود ندارد. نقش زنان در خانواده کم رنگ بوده و چندان اشاره‌ای به حضور آن‌ها در خانه و یا نحوه‌ی مطلوب اشتغال و حضور اجتماعی آنان صورت نگرفته است.

نتیجه‌گیری: علی‌رغم اهمیت تبیین و نهادینه سازی جایگاه‌های اصیل زنان و مردان در خانواده و اجتماع از سنین کودکی و ضمن آموزش‌های دوره ابتدایی، میزان توجه کتب درسی به مسئله نقش‌های جنسیتی بسیار کم است و متناسب با سیاست‌های اتخاذ شده در اسناد بالادستی، ارزیابی نمی‌شود و لازم است در این مورد بازنگری صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: بازنمایی جنسیت؛ نقش‌های جنسیتی؛ کتب آموزشی؛ تحلیل محتوا.

۱- دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران.

۲- نویسنده مسئول: دانشجوی دکترای مدیریت تکنولوژی، دانشکده مدیریت و فناوری‌های نرم، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران.
golnaz.shojaati@gmail.com

۳- دانشجوی دکترای سیاستگذاری علم و فناوری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴- دکترای سیاستگذاری علم و فناوری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و مهندسی پیشرفت، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

استناد: سیاح، مونس؛ شجاعتی، گلناز؛ شرفی، نیلوفر؛ موحدراد، مهدیه. بازنمایی نقش‌های جنسیتی از منظر اسلام و فمینیسم در کتب درسی مقطع ابتدایی؛ فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، (۶۹) ۱۹، ۴۷-۶۸.

DOR: 20.1001.1.26454955.1403.19.69.2.7

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

نقش‌های جنسیتی، باورها و تعاریف اجتماعی درباره ویژگی‌ها و رفتارهای متناسب با هر جنس، تمایزها و هویت جنسیتی را در هر جامعه معین می‌کنند. تمایز در نقش‌های جنسیتی، منعکس‌کننده تفاوت‌های زیستی و اجتماعی است که از یک سو، شکل‌دهنده شالوده‌ی اصلی ساختارهای هر جامعه است و از سوی دیگر، خود نیز در بطن نظام فرهنگی جامعه توسعه می‌یابد و از طریق جامعه‌پذیری نسل‌های بعدی، بازتولید می‌شود.

جامعه‌پذیری فرایندی است که از طریق آن، ارزش‌ها و هنجارهای هر جامعه در افراد درونی می‌شود. جامعه‌پذیری جنسیتی بخش مهمی از این فرایند است که طی آن، افراد هر یک از دو جنس، وظایف و نقش‌های خود را می‌آموزند. به بیان دیگر، جامعه‌پذیری جنسیتی بخشی از فرآیند جامعه‌پذیری افراد است که به وسیله آن نه تنها کودکان به موجودات اجتماعی تبدیل می‌شوند، بلکه افرادی با ویژگی‌های مردانه یا زنانه می‌شوند (فرهمندپور و بحرانی فرد، ۱۳۹۲) و از این طریق آموزش و پذیرش نقش‌های جنسیتی در آنها شکل می‌گیرد.

تجاریبی که دانش‌آموزان در روند تربیت خود کسب می‌کنند، بر تعریف خود و تعیین ارزش‌ها و انتخاب جهتشان در آینده موثر است؛ چیزی که از آن به نام هویت یاد می‌شود. بذره‌های تشکیل این هویت از کودکی کاشته شده‌است (برک، ۱۳۹۰).

ارائه یک الگو نظام ارزشی مناسب از طرف خانواده، جامعه، نظام آموزشی، رسانه‌ها و سایر مراجع تاثیرگذار به کودک و نوجوان، می‌تواند به پدید آمدن نظام ارزشی مثبت منجر شود و همین موضوع فرآیند هویت‌یابی را در نوجوان تسهیل می‌کند و در غیر این‌صورت نوجوان دچار بحران می‌شود (حبیبی، ۱۳۹۰).

مهمترین نهادی که ارزش‌ها و هنجارهای یک جامعه را در افراد درونی می‌کند، خانواده و پس از آن، آموزش و پرورش است (عابدینی بلترک و همکاران، ۱۳۹۳). در دنیای واقع، بچه‌ها قبل از ورود به مدرسه الگوهای رفتاری متفاوتی را درباره‌ی نقش‌های جنسیتی از خانواده و اطرافیان و همچنین از طریق برنامه‌های رادیو و تلویزیون، فیلم‌ها، اسباب‌بازی‌ها، نوع و رنگ وسایل و لباس‌هایی که در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد یاد می‌گیرند و در بازی‌های کودکانه‌ی خود آن‌ها را تمرین

می‌کنند؛ اما مدارس اولین و مؤثرترین جایگاه و مرکزی تلقی می‌شوند که به طور رسمی در فرآیند آموزش نقش‌های جنسیتی به کودکان و نوجوانان نقش ایفا می‌کنند.

در میان عوامل مختلف موثر مدرسه، مواد آموزشی به عنوان اولین نماینده رسمی و قوی‌ترین موتور برای جامعه‌پذیری جنسیتی شناخته شده است. تصویر جنسیتی می‌تواند از طریق کتاب‌های درسی القا شود (لی، ۲۰۱۴). کتاب‌های درسی می‌توانند همانند یک وسیله نقلیه عمومی اجتماعی، تصویری از یک جنسیت را انتشار دهند (شیانگ می، ۲۰۱۶).

کتاب‌های درسی، جهان کوچکی از فرهنگ جامعه را ارائه می‌دهند که بچه‌ها از طریق آن با ارزش‌ها و اعتقادات جامعه آشنا می‌شوند و از نقش‌های جنسیتی و الگوهای اشتغال زنان و مردان آگاهی می‌یابند (فروتن، ۱۳۹۰). درک کودکان از جنسیت تا حد زیادی تحت تاثیر تصاویر و متون کتاب‌های درسی قرار می‌گیرد (علیمددی و هکاران، ۱۴۰۱). لذا می‌توان گفت که متون آموزشی و درسی مدارس، نقش کلیدی در آماده‌سازی دانش‌آموزان برای پذیرش نقش‌های متناسب با ویژگی‌های جنسیتشان ایفا می‌کنند.

از آنجا که مدارس به عنوان یکی از عوامل نیرومند در ایجاد و تقویت روابط جنسیتی الگوبافته‌ی فرهنگی نقش‌ی ویژه ایفا می‌کنند (افشانی و دیگران، ۱۳۸۸)؛ انتظار می‌رود متون کتب درسی به گونه‌ای تنظیم شوند که ضمن توجه به ویژگی‌های شناختی دانش‌آموزان، آن‌ها را با نقش‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی آشنا کند و برای آن‌ها الگوی هویت‌یابی به عنوان زن و مرد فراهم نماید. به عبارت دیگر، کارکرد کتاب‌های درسی علاوه بر افزایش دانش پایه، میبایست ارتقاء دانش اجتماعی و جنسیتی دانش‌آموزان، مطابق با افق مطلوب دینی و اجتماعی در کشور ما باشد (فرهمندپور و بحرانی فرد، ۱۳۹۲). این موضوع در بند ۵-۶ «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» با عنوان «طراحی و تدوین برنامه آموزشی متناسب با نیازها و نقش‌های دختران و پسران» مورد تاکید قرار گرفته است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰). همین امر اهمیت و ضرورت درک وضعیت فعلی نحوه ارائه نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی را مشخص می‌کند و می‌تواند مقدمه‌ای برای شناخت وضع موجود و حرکت به سمت وضعیت مطلوب از دیدگاه اسلام باشد.

1. Lee, J
2. Xiangmei, L

مساله این پژوهش بازنمایی تصویری است که از زنان و مردان در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی ارائه شده است. اما، رویکرد پژوهش حاضر، بر خلاف سایر پژوهش‌های موجود در این زمینه، انجام مقایسه بین محتوای ارائه شده برای دختران و پسران نیست، بلکه هدف این است که به طور غیرمقایسه‌ای و مطلق، بررسی شود که تصویر ارائه شده از زنان و مردان در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی چگونه است؟ هر یک از این دو جنس، چه مطالبی را در خصوص جایگاه جنسیتی خود در جامعه می‌آموزند و محتوای آموزشی کتب درسی، برای هر یک از دو جنس دارای چه نقاط قوت و چه نقاط ضعفی متناسب با نیازهای آموزشی ایشان از منظر اسلام است.

حجم نمونه این پژوهش نسبت به پژوهش‌های مشابه قبلی گسترده‌تر است و تمام کتاب‌های دوره اول و دوم دبستان را در بر می‌گیرد. علت این انتخاب، بررسی رویکرد و نگاه غالب در دوره ابتدایی و همچنین بررسی سیر احتمالی موجود درباره نحوه نمایش نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی است.

مؤلفه‌های مورد بررسی ذیل مفهوم جنسیت نیز در این پژوهش با سایر مقالات متفاوت بوده و از طریق بررسی نظرات خبرگان با استفاده از روش دلفی انتخاب شده‌اند.

این مقاله در ابتدا به بررسی نگرش‌های متفاوت در زمینه جنسیت و نقش‌های جنسیتی می‌پردازد سپس به جایگاه آموزش مفاهیم مرتبط با جنسیت و نقش‌های جنسیتی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی اشاره می‌کند. در بخش بعد، پیشینه تحقیقات مرتبط درین زمینه بررسی می‌شود سپس با بررسی کتب درسی نظام آموزش و پرورش رسمی ایران، چگونگی آشنایی دانش‌آموزان با نقش‌های جنسیتی و نحوه بازنمایی آنها و همچنین میزان پرداختن کتب درسی دوره ابتدایی به تمایز این نقش‌ها، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جنسیت

برحسب اصطلاحاتی که در علوم اجتماعی متداول است، مفهوم جنس بر ویژگی‌های طبیعی متمایزکننده زن و مرد مانند تفاوت‌های کروموزومی، تفاوت‌های هورمونی و اندام‌های جنسی درونی و بیرونی آنها دلالت دارد و مفهوم جنسیت به تفاوت‌های رفتاری و روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی میان زن و مرد که دارای تعین اجتماعی هستند، اشاره می‌کند. جنس مربوط به تفاوت‌های

زیست‌شناسی و آناتومی‌ک زن و مرد است اما جنسیت مقوله‌ای اجتماعی و مشمول رفتار، نقش و حضور اجتماعی زن و مرد می‌باشد. بنابراین جنسیت برداشتی اجتماعی فرهنگی از زن و مرد است و در بافت فرهنگی به صورت ویژگی‌های روانی، اجتماعی و منظومه‌ای از گفته‌ها، رفتارها و تعاملات ظاهر می‌شود (رحیمی و همکاران، ۱۴۰۰). درباره اعتبار تفاوت‌های جنسیتی، دست کم سه نگرش وجود دارد که عبارتند از: نگرش سنتی، نگرش جدید و نگرش دینی. نگرش سنتی بر تفاوت‌های ذاتی (طبیعی) میان مردان و زنان تأکید دارد و به طور عمده بر مبنای این تفاوت‌ها، فضیلت ذاتی مردان بر زنان را به اثبات می‌رساند. این نگرش که تفاوت‌های جنسیتی را به صفات ذاتی انسان‌ها باز می‌گرداند، فهرستی از ویژگی‌های متعلق به هر جنس را ارائه نموده و بنابر مفروضات تصریح نشده‌ای برای فضیلت ذاتی مردان بر زنان، موضع‌گیری می‌کند (علم الهدی، ۱۳۸۳). یکی از بارزترین نمودهای این رویکرد، ممنوعیت‌های آموزشی دختران و نابرابری فرصت‌های اجتماعی است.

نگرش جدید درباره تفاوت‌های جنسیتی، بر تأثیر عناصر فرهنگی و زمینه‌های اجتماعی بر خودپنداره جنسی افراد تأکید می‌ورزد و از طریق توجه به انعطاف و تغییرپذیری تفاوت‌های جنسیتی، تلاش می‌کند ضرورت برابری فرصت‌های اجتماعی برای زنان و مردان را اثبات نماید. طبق نگرش جدید که در ادبیات فمینیستی به آن پرداخته می‌شود، جنسیت به سادگی و به طور یکسان تعیین و تثبیت نمی‌شود، بلکه طی جریانی پیچیده و در ضمن روابط با گروه‌ها، اشخاص و نهادها، به خصوص مناسبات خانوادگی و شغلی شکل می‌گیرد (علم الهدی، ۱۳۸۳).

در این دیدگاه، نقش جنسیتی برساختی اجتماعی است که مختصات زنانگی و مردانگی را تعریف می‌کند. این برساخت اقتضاء می‌کند که مردان خشن و مسلط و زنان ظریف و زودرنج باشند (عابدینی بلترک و همکاران، ۱۳۹۳). فمینیست‌ها بیان می‌کنند که تفاوت‌های روانی زن و مرد، که جامعه آن را مصداقی از تفاوت‌های تکوینی قلمداد می‌کند کاملاً منشأ تربیتی و محیطی دارند. آنان می‌کوشند تأثیر تفاوت‌های تکوینی در نقش‌های جنسیتی را ناچیز و کم ارزش نشان دهند و وانمود کنند که نقش‌های جنسیتی مورد انتظار از زن و مرد، بیش از هر چیز، ناشی از ساخت‌های اجتماعی است که بر مبنای تفاوت‌های زیست‌شناسی توجیه می‌شود و از آنجا که می‌توان با اصلاحات

اجتماعی، باورها و انتظارات را تغییر داد، می‌توان نقش‌های جنسیتی را نیز، تاریخی و تحول‌پذیر دانست (فریدمن، ۲۰۱۹).^۱

در این نظریه، فمینیسم، زنان را دارای توانمندی جسمی و ذهنی برابر با مردان تلقی می‌کند و هرگونه تفاوت موجود را ناشی از دوران مردسالارانه گذشته می‌داند. براساس این رویکرد، طبیعت متفاوت زن و مرد که پیشتر به عنوان توجیه‌کننده تفاوت وظایف و توانمندی‌های زن به کار گرفته می‌شد، اهمیت ندارد و به همین دلیل، این رویکرد به شدت بر توانمندی زنان در انجام کارهای مردانه و خشن تاکید می‌کند (حسینی جیردهی و همکاران، ۱۳۹۲).

در مقابل این دو نگرش، نگرش دینی ضمن تاکید بر اصالت روح در انسان، از طریق خارج نمودن عنصر جنسیت از ذات انسان، اصالت تفاوت‌های جنسی را انکار می‌کند؛ چنانکه بوعلی سینا می‌نویسد: «روح و حقیقت انسان نه مرد است و نه زن» (ابن سینا، ۱۳۷۵) و از سوی دیگر، جنسیت را ویژگی بدن معرفی می‌کند و از طریق تبیین ارتباط بدن با روح، تأثیر نسبی تفاوت‌های جنسیتی را در حیات انسانی توجیه می‌نماید. بر طبق براهین فلسفه اسلامی، مرد یا زن بودن در اصل انسان بودن، خللی ایجاد نمی‌کند. به عبارت دیگر به صرف مرد یا زن بودن، انسانیت کسی کم یا زیاد نمی‌گردد. زیرا جنسیت یک امر عرضی است که عارض بر ذات می‌شود، نه یک امر ذاتی تا تفاوت جوهری را ایجاد نماید (حسینی، ۱۳۸۳).

از منظر اسلام، از آنجا که جنسیت، عنصر تعیین‌کننده‌ای در ذات انسان نیست، بحث از تفاوت‌های جنسیتی، دست کم در قلمروهای معطوف به حقیقت انسانی نابخاست. لذا اعتبار تفاوت‌های جنسیتی بسیار محدود است و آنچه به قلمرو حقیقت ذات انسانی مربوط است، نظیر کمالات، اعمال و صفات اخلاقی، سعادت و هدایت، متعلق جنسیت نیست. اعتباری بودن تفاوت‌های جنسیتی و طرد جنسیت از ذات و کمالات ذاتی آدمی، به برخی دلایل قرآنی نیز مدلل می‌شود (علم الهدی، ۱۳۸۳).

آیت‌اله جوادی آملی در تفسیر آیه یا ایُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا^۲ می‌گوید: منظور از «نفس» در این آیه کریمه همان گوهر، ذات، اصل و واقعیت عینی شیء است و مراد از آن معنای روح، جان، روان و مانند آن نیست. بنابراین مفاد آیه مزبور اولاً این است که همه انسان‌ها از هر صنف، خواه زن یا مرد از یک ذات و گوهر خلق شده‌اند. ثانیاً اولین زن

1. Freedman, Jane

۲. سوره نساء، آیه ۱

که همسر اولین مرد است، او هم از همان ذات و گوهر عینی آفریده شد، نه از گوهر دیگر و نه فرع بر مرد و زائد بر او. در اسلام هیچ کمالی مشروط به مرد بودن نیست و زن بودن مانع هیچ کمالی نیست. حقیقت انسان را روح تشکیل می‌دهد نه بدن او. انسانیت انسان را جان او تأمین می‌کند، نه جسم او و نه مجموع جسم و جان. این روح و جان چیزی است که نه مذکر است و نه مؤنث و هم اوست که مخاطب خطابات الهی می‌باشد (صادقی، ۱۳۹۱).

در مجموع دیدگاه اسلامی نگرش مثبتی به تفاوت‌های جنسیتی دارد. در واقع اسلام ضمن مفروض گرفتن برخی ارزش‌های غایی، این تفاوت‌ها و تمایزات را برای تحقق آن ارزش‌ها مثبت ارزیابی می‌کند. تفاوت این دیدگاه با سایر دیدگاه‌ها در ترسیم ارزش‌هایی است که هر کدام از آن‌ها مفروض می‌گیرند. تبیین اسلامی حول محور سعادت حقیقی انسان به عنوان هدف نهایی در نظر گرفته می‌شود و از آنجایی که سلامت اخلاقی فرد و جامعه نقش بسزایی در تأمین سعادت حقیقی انسان دارد، در مناسبات اجتماعی و از جمله در مناسبات جنسیتی، بازتاب ویژه‌ای پیدا می‌کند. بنابراین، تمایزات جنسیتی با فراهم‌سازی زمینه مناسب برای مصون‌سازی زنان و مردان، در بین گزینه‌های محتمل، بهترین گزینه‌ای است که در راستای کمال انسانی و تحقق ارزش‌ها قرار می‌گیرد (موسوی و دهشیری، ۱۳۹۵).

نقش‌های جنسیتی از منظر اسلام و فمینیسم

پیرو آنچه در رابطه با اختلاف نظر اسلام و غرب درباره مفهوم جنسیت ذکر شد، این اختلاف نظر، در تعریف نقش‌های جنسیتی نیز منبث از همین نظریات ادامه می‌یابد. بنا به باور فمینیستی، تفاوت فیزیولوژیک- بیولوژیک زنان و مردان در نظام مبتنی بر پدرسالاری، مبنای تفاوت‌های اجتماعی و به تبع آن، قرار دادن زن در نقش‌های فروتر اجتماعی، تبعیض‌ها و در کل نابرابری زن و مرد قرار می‌گیرد (عطازاده، ۱۳۸۷). همانگونه که پیشتر ذکر شد بیشتر فمینیست‌ها بر این باورند که زن و مرد از حیث بیولوژی با هم اختلاف دارند اما در این که تفاوت جنسی، موجب تفاوت در جنسیت می‌شود، میان آن‌ها اختلاف نظر است. از نظر دسته‌ای از فمینیست‌ها، جامعه رفتار مرتبط با جنسیت را به شیوه‌ای بی‌قاعده به هریک از دو جنس زیست‌شناختی پیوند می‌دهد. آنها با تأکید بر این اندیشه که انسان، زن زاده نمی‌شود بلکه زن می‌شود به این مسئله پرداختند که نقش‌های جنسیتی،

ویژگی‌هایی کسب شده، موقعیت‌هایی مقرر شده و بخشی از یک ایدئولوژی هستند که نقش‌های زنان را ناشی از طبیعت آنها می‌داند (احمدی، تشکری، ۱۴۰۰).

بر طبق این رویکرد، «زنانگی» و «مردانگی» نه ویژگی ذاتی، مطلق و فراسوی زمان و مکان، بلکه مقولاتی اجتماعی و فرهنگی و ساخته و پرداخته شرایط تاریخی معین و گاه سیاسی و اقتصادی بشمار می‌آید. بر این اساس نگرش انتقادی به مقوله جنسیت، نه تحلیلی از ذات این پدیده بلکه کنکاشی مشخص و تاریخی در جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی، فرهنگ و سیاست است (حسنی، ۱۳۸۳).

در واقع فمینیست‌ها تفاوت جنسی میان زن و مرد را پذیرفته‌اند؛ اما ملاک قرار دادن آن را برای نقش‌ها و انتظارات متفاوت بر نمی‌تابند. به بیان دیگر، آنان هرگونه تفاوت جنسیتی را معلول فرهنگ مردسالاری دانسته و خواستار الغای آن و تساوی نقش‌ها و مسؤولیت‌های زنان و مردان هستند. از این دیدگاه، وجود جنسیت مردانه و زنانه واقعی نیست و آن را معلول یک رشته عوامل روانی، اجتماعی و فرهنگی معرفی می‌کنند (بادانتر، ۱۹۹۸)^۱. این در حالی است که امروزه بسیاری بر این باورند که عوامل بیولوژیک در شکل دادن به نقش‌های جنسیتی زن و مرد در جامعه بسیار موثرند. اغلب چنین استدلال می‌شود که مردان از زنان قوی‌تر و از این‌رو برای کارهای سخت جسمانی چون کارگری و شکار مناسب‌ترند. برخی معتقدند عوامل بیولوژیک باعث تفاوت در شخصیت و خلق و خوی دو جنس می‌شود و بدین ترتیب عموماً زنان را از مردان پراحساس‌تر می‌شمارند و آنان را دارای علاقه‌ای ذاتی به پرورش و مراقبت از دیگران می‌دانند. این ویژگی‌ها زنان را برای کارهایی چون پرستاری، آموزگاری و نگاه‌داری از کودکان مناسب می‌سازد (عابدینی بلترک و همکاران، ۱۳۹۳).

نهایتاً از دیدگاه اسلام، آن نوع تفکیک نقش‌های جنسیتی که هماهنگ با تفاوت‌های جنسی طبیعی و در راستای نیل به سعادت حقیقی افراد و وافی به شرط عدالت باشد، منفی ارزیابی نمی‌شود. برای مثال، تربیت دختران برای پذیرش نقش‌های مادری و همسری یا رعایت حجاب شرعی و تربیت پسران برای پذیرش نقش نان‌آوری خانواده، نه تنها ممنوعیتی از نظر اسلام ندارد، بلکه به دلیل کارکردهای مثبت آن در جهت تحقق اهداف اخلاقی و اجتماعی اسلام به‌ویژه آرامش روانی همسران، تربیت فرزندان سالم و سلامت اخلاقی جامعه، امری پسندیده تلقی می‌شود. اما اگر نقش‌های جنسیتی به تمایزهای ناسازگار با نظام ارزشی اسلام بینجامد، مردود است (بستان، ۱۳۹۷).

1. Badinter, Elisabeth

جایگاه آموزش مفاهیم مرتبط با جنسیت و نقش‌های جنسیتی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی

در تفکر اسلامی، مفهوم تربیت براساس غایت آفرینش آدمی تعریف می‌شود. هدف نهایی تربیت در اسلام را می‌توان الهی شدن آدمی و به تعبیر دیگر، دست یازیدن به حیات پاک دانست. بنابراین می‌توان مفهوم تربیت را به این نحو تعریف کرد: «شناخت خدا به عنوان رب یگانه جهان و انسان، برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و پرهیز از ربوبیت غیر» (موسوی و دهشیری، ۱۳۹۵). از آنجا که نمی‌توان شئون اجتماعی انسان را از شئون وجودشناختی او تفکیک کرد لذا برنامه تعلیم و تربیت، می‌بایست شامل برنامه‌ی فراگیری باشد که هم نقش اجتماعی یادگیرندگان را در نظر می‌گیرد و هم نقش وجودشناختی آنان را. از این رو لازم است با در نظر گرفتن تفاوت‌های جنسیتی به عنوان بخشی از تفاوت‌های فردی، بر تلفیق علایق نقش‌های وابسته به جنس یادگیرندگان با علایق وجودشناختی آنان تاکید شود.

شکی نیست که تهذیب، تعلیم و پرورش استعدادهاى هر دو جنس، در اصلاح و قوام زندگى جمعى موثر است. از آنجا که حوزه فعالیت مرد و زن متفاوت است، کیفیت و محتوای آموزش نیز باید چنان طراحی شود که این آموزش‌ها در خدمت رشد توانایی‌ها، استعدادها و همچنین معارف لازم برای ارتقای اخلاقی و معنوی هر یک باشد (براتی و همکاران، ۱۳۹۳). از منظر علوم روز نیز محققان طی تحقیقات عصب‌شناختی با اشاره به تفاوت‌های ساختاری و تفاوت در پردازش اطلاعات دریافتی بین مغز دختران و پسران بیان می‌کنند که دختران و پسران متناسب با این تفاوت‌ها، حق دارند که از راهکارها و راهبردهایی منتفع شوند که با سبک‌های یادگیری آن‌ها مطابقت داشته باشد. درک تفاوت‌های یادگیری در دختران و پسران می‌تواند به معلم، مدرسه و دانش‌آموزان کمک کند تا برنامه‌های آموزش مبتنی بر جنسیت را در هر موقعیتی که احساس نیاز کنند، اجرا نمایند (موسوی و دهشیری، ۱۳۹۵). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که سبک یادگیری نیز بر اساس جنسیت متفاوت است؛ به عبارتی دانش‌آموزان دختر و پسر به لحاظ استفاده از سبک‌های یادگیری از جمله سبک دیداری، شنیداری، خواندن/نوشتن، جنبشی، و ترکیبی (چندگانه)، متفاوت عمل می‌کنند. دانش‌آموزان دختر بیشتر از دانش‌آموزان پسر از سبک ترکیبی استفاده می‌کنند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۹).

در نهایت، پذیرش این نکته که تفاوت‌های جنسیتی زن و مرد، نه تنها نشأت گرفته از ساخت‌های اجتماعی بلکه منبعث از تفاوت‌های جنسی طبیعی است دارای لوازم و پیامدهایی در الگوهای

اجتماعی و رفتاری خواهد بود. صاحب‌نظرانی که تفاوت‌های جنسیتی را دارای منشأ تکوینی می‌دانند بر این باورند که نظام آموزشی باید متناسب با این تفاوت‌ها و متناسب با انتظارات و مسئولیت‌های ویژه هر یک از زن و مرد، رنگ و بوی جنسیتی یابد. در این دیدگاه، جنسیت متغیر مهمی است که بر موقعیت، تجربه‌ها و احساسات دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد و بی‌توجهی به جنسیت در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری آموزشی باعث می‌شود که مسائل خاصی که دختران و پسران دانش‌آموز با آن مواجه‌اند از نظر دور بماند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹).

در بخش محتوای آموزش، تعلیم و تربیت مبتنی بر جنسیت می‌تواند شامل آموزش حقوق زن و مرد و افزایش تعهد و وظیفه در آنان نسبت به احترام به حقوق یکدیگر، عجز کردن آموزش‌های اخلاقی با آموزش‌های حقوقی - تا دختران و پسران در کنار آگاهی از حقوق یکدیگر، نسبت به اجرای فضایل اخلاقی در تناظر با حقوق مربوطه متعهد شوند-، آموزش مهارت‌های مواجهه با بحران‌های زندگی، آموزش مهارت‌های فرزندپروری و مسئولیت‌های متفاوت و مشترک در قبال فرزندان در آینده، تقویت صفات و ویژگی‌های مردانه (چون غیرت، شجاعت و سخاوت) و ویژگی‌های زنانه (مانند همدلی، عطف و مهرورزی)، تقویت تمایلات دختران و پسران برای حضور در مشاغل متناسب با ویژگی‌ها و مسئولیت‌های جنسیتی آن‌ها در آینده، آموزش حرفه‌ها و مهارت‌های متناسب با جنسیت، آموزش‌های جنسی معطوف به اخلاق جنسی برای حفظ حریم خانواده و اجتماع و استفاده از تصاویر و نمادهای مبتنی بر نقش‌های جنسیتی اسلام در کتاب‌های درسی و فضاهای آموزشی باشد (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۱).

در زمینه روش‌های آموزش نیز می‌توان گفت استفاده از روش‌های مبتنی بر حواس در آموزش مفاهیم عینی و ملموس به ویژه برای پسران، پرورش تفکر انتزاعی و تجسم فضایی در پسران، استفاده بهینه از فضا و انرژی پسرانه در آموزش مطالب، بهره‌گیری از یادگیری مشارکتی و ارتباط مدار در آموزش مفاهیم به دختران، استفاده از رویکرد بنا شده بر محبت، گذشت، مصلحت‌اندیشی و مبتنی بر ایمان و تعقل، تولی و تبری، توکل و امید، پاک‌خوری و پاکدامنی برای دختران و پسران قابل طرح است (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۱). در مجموع باید توجه داشت که حتی از منظر تربیت اسلامی، بحث انتزاعی درباره منشأ تفاوت‌های جنسیتی در رفع مسایل مربوط به تبعیض‌های جنسی کفایت نمی‌کند؛ زیرا تفاوت‌های جنسیتی چه مربوط به ذات و گوهر اصلی انسان باشد، چه خارج از ذات به ماهیت، بدن،

جامعه یا تعامل محیط و وارثت بازگشت نماید، در هر صورت به طور انکارناپذیری خودنمایی می‌کند. از این رو، تربیت اسلامی با پذیرش تاثیر شرایط اجتماعی در شکل‌گیری باورهای جنسیتی و بروز تفاوت‌های جنسیتی، خواستار تغییرات مطلوب در جهت برقراری عدالت اجتماعی و برابری فرصت‌های تحصیل معرفت است (علم الهدی، ۱۳۸۳). از این رو نه تنها از منظر تعلیم و تربیت اسلامی، بلکه از نگاه بسیاری از رویکردهای دیگر به فلسفه تعلیم و تربیت، توجه به مقوله‌های جنسیتی در مدارس و بالاخص در محتوای کتب درسی آموزش رسمی واجب و ضروری به نظر می‌رسد.

اسماعیل‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی مقطع متوسطه اول از حیث توجه به نقش زن: حاکمیت رویکرد اسلامی یا فمینیسم» محتوای کتاب‌های درسی مقطع متوسطه اول را از حیث مواجهه دیدگاه‌های فمینیستی با هویت بخشی جنسیتی برای دانش‌آموزان و مقایسه آن با رویکرد اندیشمندان اسلامی، تحلیل کرده و نتیجه گرفته‌اند در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی، کار و فناوری و عربی، دیدگاه‌های فمینیستی غلبه دارند اما کتاب‌های تفکر و سبک زندگی و فرهنگ و هنر، دارای کمترین کدهای جنسیتی بوده‌است. آنان پیشنهاد می‌کنند که نقش‌های جنسیتی برگرفته از آموزه‌های دینی در کتب درسی بازتعریف شود. علیمددی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با نام «بازنمایی جنسیتی در کتاب زبان انگلیسی دوره دوم متوسطه دبیرستان از منظر مولفه‌های نگاه نابرابر و تبعیض آمیز به زنان» در تحلیل محتوای کمی، تعداد تصاویر، اسامی و ضمائر مونث و مذکر را بررسی کرده‌اند و در تحلیل محتوای کیفی نیز متن دروس و تصاویر مورد توجه بوده‌است. در نهایت به این نتیجه رسیدند که ۹۵ درصد تصاویر، ۸۵ درصد اسامی و ۹۵ درصد بزرگان و مشاهیر معرفی شده در کتاب از مردان بوده‌اند. در صورتیکه در واقعیت جامعه می‌توان زنان را در عرصه‌های علمی نظیر المپیادها و دانشگاه‌ها و حتی مناصب سیاسی و میدانی ورزشی دید اما این مطالب در کتاب مورد اشاره قرار نگرفته‌است.

فرهمندپور و بحرانی فرد (۱۳۹۲) در مقاله «بازنمایی نقش اجتماعی- سیاسی زنان در کتاب‌های درسی مقاطع ابتدایی و راهنمایی» با بررسی مجموعه منتخب از کتاب‌های دوره ابتدایی و راهنمایی، نقش‌پذیری اجتماعی زنان را در عرصه‌های گوناگون اجتماعی مبتنی بر هنجاری یا توصیفی بودن موارد ذکر شده بررسی کرده‌اند. آنها بیان می‌کنند که لازم است دید عمومی به نقش‌های زنان بسط

داده شود و بسیاری فعالیت‌ها مانند فعالیت‌های خیریه و امور عام المنفعه، امدادگری و انجام دادن فریضه‌های اجتماعی مهمی مانند امر به معروف و نهی از منکر به منزله فعالیت‌های اجتماعی مهمی که زنان جامعه به آن مشغولند مورد توجه قرار گیرد. مقاله نشان می‌دهد که توصیف گزاره‌ها و تصاویر موجود در کتاب‌های درسی از مقوله‌های نقش‌آفرینی زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، در بیشتر موارد، حضور گسترده و رو به افزونی زنان را در فعالیت‌های اجتماعی را به درستی منعکس نمی‌کند.

فروتن (۱۳۸۹) در مقاله «جامعه‌پذیری جنسیتی در کتاب‌های درسی مدارس ایران»، کتاب‌های سال تحصیلی دوره ابتدایی را از نظر جامعه‌پذیری جنسیتی بررسی کرده است. مولفه‌های مورد بررسی، تعداد اسامی پسرانه و دخترانه، تعداد کاربری واژه‌های جنسیتی مانند آقا، خانم و...، تعداد تصاویر با حضور فقط مردان و فقط زنان و ترکیبی، فعالیت‌های ورزشی و ترکیب جنسیتی فرزندان یک خانواده در نظر گرفته شده‌اند. وی سپس نتیجه‌گیری می‌کند که نوعی سوگیری جنسیتی در واژه‌های کلیدی مرتبط با جنس مذکر و مونث (مانند کلمات مرد و زن، پسر و دختر)، الگوها و ویژگی‌های کارهای داخل و خارج خانه، ترکیب بعد خانواده بر حسب جنس فرزندان و فعالیت‌های ورزشی وجود دارد و غالباً همبستگی مستقیم و معناداری بین پایه تحصیلی و این نوع سوگیری‌های جنسیتی مشاهده می‌شود.

افشانی و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله «بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی» با بررسی کتاب‌های فارسی پایه دوم تا پنجم ابتدایی و بررسی تصاویر از جهت تعداد افراد از هر جنسیت، جنسیت اقوام و خویشاوندان و والدین مورد اشاره و شغل هر یک از افراد مبتنی بر جنسیت ایشان، به بررسی تاثیر کتب درسی در بازتولید نقش‌های جنسیتی کودکان پرداخته‌اند. ایشان بیان می‌کنند اگرچه در سالیان اخیر تعداد و تنوع مشاغل معرفی شده بیشتر شده، ولی نسبت مشاغل زنانه کمتر و نسبت مشاغل مردانه بیشتر شده است. بر اساس نتایج، انتساب نقش خانه‌داری به زنان کاهش و ترسیم زنان در نقش‌های حرفه‌ای و تخصصی افزایش یافته است.

مقاله‌های دیگری نیز در خصوص بررسی مفهوم جنسیت، برابری جنسیتی و عدالت جنسیتی در کتب درسی نوشته شده است (حاضری و احمدپور خرمی، ۱۳۹۱) (رحمانی و موسوی سیرجانی، ۱۳۹۱) (صالحی، ۱۳۹۷) (عبادی و ابراهیمی مرچل، ۱۳۹۴) (هاشمی و شهرآرای، ۱۳۸۷) (حسینی

فاطمی و حیدریان، ۱۳۸۹) (فروتن، ب، ۱۳۹۰) (تاج مزینانی و حامد، ۱۳۹۳) (کاردان حلویایی، فتحی آذر و ادیب، ۱۳۹۵) (نوریان، ۱۳۸۵). اما تمامی این مقالات، به مقایسه‌ی محتوای مرتبط با دو جنس در کتب درسی پرداخته‌اند و اهدافی نظیر تبیین نابرابری جنسیتی موجود در کتب درسی یا اثبات پدیده تقدم مرد^۱ و یا انواع سوگیری‌های جنسیتی موجود در کتب درسی را مدنظر قرار داده‌اند. اما، رویکرد پژوهش حاضر، انجام مقایسه بین محتوای ارائه شده برای دختران و پسران نیست، بلکه هدف این است که به طور غیرمقایسه‌ای و مطلق، بررسی شود که تصویر ارائه شده از زنان و مردان در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی چگونه است؟ هر یک از این دو جنس، چه مطالبی را در خصوص جایگاه جنسیتی خود در جامعه می‌آموزند و محتوای آموزشی کتب درسی، برای هر یک از دو جنس دارای چه نقاط قوت و چه نقاط ضعفی متناسب با نیازهای آموزشی ایشان از منظر اسلام است. به علاوه حجم نمونه این پژوهش نسبت به نمونه‌های قبلی گسترده‌تر است و تمام کتاب‌های دوره اول و دوم دبستان را که مشتمل بر ۴۱ عنوان کتاب می‌شود، بررسی کرده است. از طرفی مؤلفه‌های مورد بررسی ذیل مفهوم جنسیت نیز در این پژوهش با سایر مقالات متفاوت بوده و از طریق بررسی نظرات خبرگان با استفاده از روش دلفی انتخاب شده‌اند. سوالات اصلی این پژوهش را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

۱. میزان تکرار مقوله‌های مرتبط با نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های آموزش و پرورش در هر پایه دبستان و به طور مجموع در کل دوره ابتدایی چگونه است؟
۲. ریزموضوعات مرتبط با مفهوم نقش‌های جنسیتی با توجه به نظر متخصصین حوزه زن و خانواده چیست؟
۳. چه مطالب و مفاهیمی در رابطه با نقش‌های جنسیتی در محتوای کتب درسی آموزش و پرورش در مقطع دبستان ارائه شده است؟

روش‌شناسی پژوهش

روش این تحقیق، توصیفی از نوع تحلیل محتوا و کاربردی است. تحقیق توصیفی آنچه را که هست توصیف می‌کند و شامل ثبت، توصیف، تجزیه و تحلیل می‌باشد.

1. The male-first Phenomenon

تحلیل محتوا، به عنوان یکی از روش‌های پژوهشی پرکاربرد و پر قدمت در شناسایی و تحلیل متون، عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن در تعدادی مقوله که از پیش تعیین شده‌اند. کمیت کلمه‌ها (یا جمله‌ها یا پاراگراف‌ها و مانند اینها) بر حسب این مقوله، نتیجه تحلیل را تعیین می‌کند. در پژوهش حاضر ضمن تاکید بر اهمیت تجزیه و تحلیل محتوای پنهان (یا معنای ضمنی پنهان شده در منظور متن)، عمدتاً از روش تجزیه و تحلیل محتوای آشکار (به معنای قواعد آشکار و مشخص درون متن) استفاده شده است. در تحلیل محتوای آشکار معمولاً عناصر و اجزائی مطالعه می‌شوند که در قالب کلمات و تصاویر در داخل متن، حاضر و مشهود و قابل شمارش هستند.

ابزارهای این تحقیق ریزموضوعات تحلیل محتواست. برای یافتن ریزموضوعات مرتبط با نقش‌های جنسیتی، با استفاده از روش دلفی، نظر تعدادی از نخبگان و کارشناسان حوزه زن و خانواده - که با نظر شورای فرهنگی اجتماعی زنان (دبیرخانه‌ی شورای انقلاب فرهنگی) انتخاب شده بودند - جمع‌آوری و تجمیع شده است. به این ترتیب که در مرحله اول با استفاده از روش کتابخانه‌ای مفاهیم مرتبط با نقش‌های جنسیتی پس از مطالعه منابع موجود در این زمینه، انتخاب شده و این موارد در یک پرسشنامه به خبرگان و اعضای پانل دلفی ارائه شده است. در یک سوال باز نیز مقوله‌های پیشنهادی خبرگان از آنان دریافت و وارد پرسشنامه مراحل بعد دلفی شد. سپس اعضا میزان موافقت خود با هر یک از مقوله‌های مشخص شده را بیان کردند. در نهایت با استفاده از تحلیل آماری، گزینه‌هایی که میزان موافقت با آن بیشتر از ۷۵ درصد بود انتخاب شد و به عنوان ریزموضوعات نهایی تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. برای تعیین میزان وحدت نظر خبرگان از ضریب هماهنگی کندال استفاده شد. این ضریب برای تعیین روائی دیدگاه داوران نیز قابل استفاده است. ضریب کندال بین صفر و یک می‌باشد و هر چه به یک نزدیکتر شود به معنای موافقت بیشتر اعضای گروه دلفی خواهد بود. در این پژوهش این ضریب برابر با ۰.۷۵ گزارش شد که به معنای توافق خوب بر مقولات احصا شده است.

در مرحله بعد، صفحات کتاب‌ها به عنوان واحد تحلیل انتخاب شدند که شامل متن، پرسش‌ها، تمارین و تصاویر می‌باشند. جملات نیز به عنوان واحد ثبت مشخص شده است. سپس بر اساس روش تحلیل محتوا، مفاهیم مرتبط با ریزموضوعات در جدول تحلیل، مشخص و شمارش شده است. در

نهایت با استفاده از روش‌های آمار توصیفی، نحوه پراکندگی و بسامد و تکرار این مفاهیم در کتاب‌های هر پایه و در کل مقاطع بررسی شده است. متغیر اصلی در این پژوهش، مقوله‌های مرتبط با مفهوم نقش‌های جنسیتی است که این متغیرها مبتنی بر فهرست ریز موضوعات و با توجه به نظر نخبگان و صاحب‌نظران در زمینه خانواده احصاء شده است. فهرست مقوله‌های مرتبط با نقش‌های جنسیتی جهت استفاده در فرآیند پژوهش به این ترتیب تعیین شدند:

جدول ۱: فهرست ریز موضوعات مرتبط با نقش‌های جنسیتی

مفهوم	مقوله‌های طرح شده
نقش‌های جنسیتی	۱- زنانه و مردانه
	۲- دخترانه و پسرانه
	۳- دیدگاه‌های فمینیستی
	۴- خانه داری
	۵- اشتغال زنان
	۶- تحصیل دختران
	۷- خلقت

جامعه آماری این تحقیق، محتوای تمام کتاب‌های درسی در مقطع دبستان می‌باشد. در این پژوهش حجم نمونه و جامعه آماری یکسان است. به عبارت دیگر کل محتوای کتاب‌ها که ۴۱ عنوان کتاب درسی می‌باشد، (و هر کتاب دو بار برای دقت بیشتر) مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. بررسی کلیه کتب درسی این مقطع از این حیث حائز اهمیت است که روند شکل‌گیری ذهنیت دانش‌آموزان نسبت به نقش‌های جنسیتی، به مرور زمان و در طول تحصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد. کتب درسی سال تحصیلی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ برای این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

یافته‌های پژوهش

نتایج تحلیل کتب درسی دوره دبستان از حیث میزان تکرار مفاهیم مرتبط با نقش‌های جنسیتی مطابق ریز موضوعات جدول ۱، در جدول ۲ آمده است؛ در جدول ۳ نیز نتایج میزان تکرار هر یک از ریز موضوعات مربوط به نقش‌های جنسیتی به تفکیک پایه تحصیلی قید شده است.

جدول ۲. میزان تکرار مفاهیم مرتبط با نقش‌های جنسیتی در کلیه کتب درسی دبستان در هر پایه

مجموع	تعلیمات اجتماعی		فارسی ۱		هدیه‌های آسمان		قرآن		ریاضی		علوم تجربی		تفکر و پژوهش		کار و فناوری		مجموع
	تکرار	میانگین	تکرار	میانگین	تکرار	میانگین	تکرار	میانگین	تکرار	میانگین	تکرار	میانگین	تکرار	میانگین	تکرار	میانگین	
اول	-	-	۰	۰	-	-	۰	۰	۰	۰	۰	۰	-	-	-	-	۰
دوم	-	-	۱۲	۵.۴	۰	۰	۶	۴.۸	۱	۰.۷	۵	۴.۸	-	-	-	-	۲۴
سوم	۱	۱.۰	۷	۳.۱	۰	۰	۰	۰	۳	۲.۰	۰	۰	-	-	-	-	۱۱
چهارم	۱۱	۹.۱	۵	۱.۹	۶	۵.۰	۰	۰	۹	۵.۸	۸	۷.۵	-	-	-	-	۳۹
پنجم	۰	۰	۱	۰.۴	۰	۰	۰	۰	۲	۱.۴	۰	۰	-	-	-	-	۳
ششم	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	-	-	-	-	۰
مجموع	۱۲	۲.۳	۲۵	۱.۷	۶	۱.۱	۶	۰.۸	۱۵	۱.۶	۱۳	۲.۱	۰	۰	۰	۰	۷۷

جدول ۳. میزان تکرار ریز موضوعات مرتبط با نقش‌های جنسیتی در دوره دبستان در هر پایه

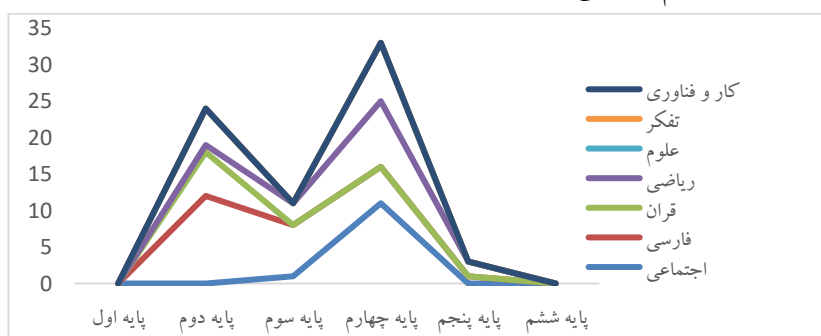
مجموع	زنانه و مردانه		دخترانه و پسرانه		دیدگاه‌های فمینیستی		خانه داری		اشتغال زنان		تحصیل دختران		خلقت		مجموع
	تکرار	میانگین	تکرار	میانگین	تکرار	میانگین	تکرار	میانگین	تکرار	میانگین	تکرار	میانگین	تکرار	میانگین	
اول	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
دوم	۳	۰.۴	۳	۰.۴	۰	۰	۴	۰.۶	۹	۱.۳	۳	۰.۴	۲	۰.۳	۲۴
سوم	۱	۰.۱	۱	۰.۱	۰	۰	۴	۰.۵	۲	۰.۲	۳	۰.۴	۰	۰	۱۱
چهارم	۷	۰.۸	۶	۰.۷	۰	۰	۴	۰.۵	۶	۰.۷	۱۵	۱.۷	۱	۰.۱	۳۹
پنجم	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰.۲	۱	۰.۱	۰	۰	۰	۰	۳
ششم	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مجموع	۱۱	۰.۲	۱۰	۰.۲	۰	۰	۱۴	۰.۳	۱۸	۰.۴	۲۱	۰.۴	۳	۰.۱	۷۷

۱- در این جدول کتب فارسی خوانداری و نوشتاری با عنوان فارسی گنجانده شده‌اند.

بررسی کلیه کتب درسی پایه اول و ششم دبستان نشان می‌دهد که هیچ یک از ریزموضوعات عنوان شده حتی به صورت گذرا و سطحی نیز در این دو پایه مطرح نشده است. شکل ۱ روند تکرار مقوله‌های جنسیتی را در هر کدام از کتاب‌های درسی و در پایه‌های اول تا ششم نشان می‌دهد. چنانکه مشاهده می‌شود تعداد این مقولات در کتاب فارسی پایه دوم و کتاب اجتماعی پایه چهارم از سایر کتاب‌ها و پایه‌ها بیشتر است. اما روند استفاده از نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی در سال‌های انتهایی دبستان بسیار کم است و به این مفاهیم تقریباً توجهی نشده است. در حالیکه دانش‌آموزان در این سال‌ها در ابتدای ورود به دوره نوجوانی هستند و هویت آنها در اجتماع در حال شکل‌گیری است.

بحث و نتیجه‌گیری

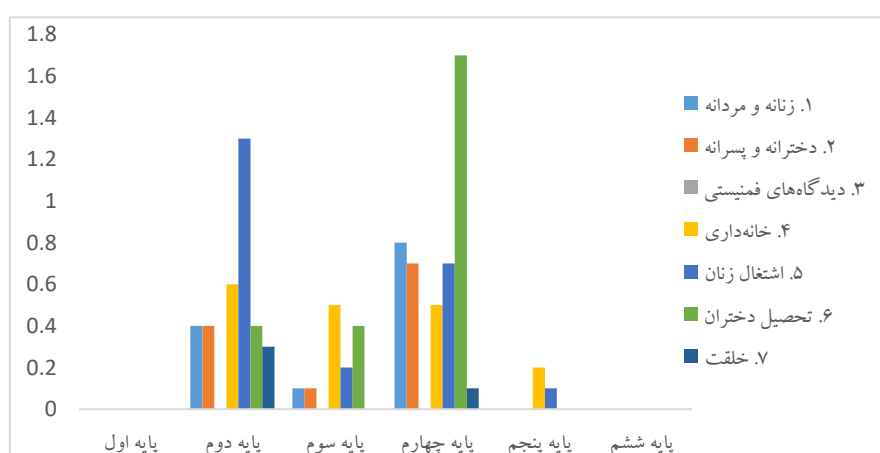
بررسی تعداد تکرار مقوله‌های مرتبط با نقش‌های جنسیتی در طول دوران تحصیلی دبستان نشان‌دهنده آن است که نظم و برنامه‌ریزی و روند مشخصی به منظور ارائه این مفاهیم در طول دوران تحصیل وجود ندارد. شکل (۱) روند تکرار مقوله‌های جنسیتی را در هر کدام از کتاب‌های درسی و در پایه‌های اول تا ششم نشان می‌دهد.



شکل ۱. روند تکرار مقوله‌های مرتبط با نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های شش پایه

همانطور که مشاهده می‌شود تعداد این مقولات در کتاب فارسی پایه دوم و کتاب اجتماعی پایه چهارم از سایر کتاب‌ها و پایه‌ها بیشتر است. اما روند استفاده از نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های

درسی در سال‌های انتهایی دبستان بسیار کاهشی است و به این مفاهیم تقریباً توجهی نشده است؛ درحالی‌که دانش‌آموزان در این سال‌ها در ابتدای ورود به دوره نوجوانی هستند و هویت آنها در اجتماع در حال شکل‌گیری است. شکل ۲ نیز شمار مقوله‌های احصاء شده در این پژوهش را به تفکیک در هر پایه نشان می‌دهد. به عنوان مثال مقوله اشتغال زنان در پایه دوم تکرار بیشتری از سایر مقولات داشته است و یا تحصیل دختران در پایه چهارم بیشتر از سایر پایه‌ها آمده است.



شکل ۲. تعداد تکرار مقوله‌های مرتبط با نقش‌های جنسیتی در طول شش پایه تحصیلی

به طور کلی اشاره به نقش‌های زنان و مردانه یا دخترانه و پسرانه در کتب درسی به ندرت دیده می‌شود و از کلمات دخترانه یا پسرانه چندان استفاده نشده. با اینکه دختران یا پسران در برخی از نقش‌های جنسیتی خود تصویر شده‌اند، اما تأکیدی بر این نقش‌ها صورت نگرفته است. لازم است موضوع نقش‌های جنسیتی، تفاوت‌ها و ویژگی‌های دختران و پسران به طور خاص، مشخص و بازنمایی شوند.

در هیچ یک از کتب درسی مقطع دبستان اشاره‌ای به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به دیدگاه‌های فمینیستی، بیان و یا نقد دیدگاه‌های آن یافت نمی‌شود. موضوع خانه‌داری در کتب درسی به هیچ عنوان به صورت مستقیم مورد تأکید یا اشاره قرار نگرفته است؛ چه رسد به آن که از

این موضوع به عنوان یک شغل و فعالیت مهم و اثرگذار یاد شود. در مواردی زنان در نقش‌های پختن غذا، دوخت و دوز، قالیبافی و نظافت منزل نشان داده شده‌اند که البته این موارد محدود هستند. متأسفانه نقش زنان در خانواده کم رنگ بوده و چندان اشاره‌ای به حضور آن‌ها در خانه و یا اشتغال آن‌ها صورت نگرفته است. موضوع اشتغال زنان هم اکثراً به گونه‌ای مطرح شده که ارتباط زنان شاغل را با خانواده ایشان به تصویر نکشیده و تنها ایشان را در محل کار خود نشان داده است. این در حالی است که امروزه درصد زیادی از زنان و مادران مشغول به کار و فعالیت‌های داخلی یا خارج از منزل هستند. در کتب درسی، تحصیل دختران و پسران مشابه یکدیگر نمایش داده شده و در اکثر موارد تفاوتی در این رابطه مشاهده نمی‌شود اما در رابطه با بانوان تحصیل کرده و موثر در اجتماع هیچ حرفی به میان نیامده است. همچنین به برنامه‌ریزی تحصیلی متناسب با نقش‌های دخترانه و پسرانه نیز اشاره‌ای نشده است. در هیچ یک از کتب درسی مقطع دبستان، زنان به عنوان عوامل موثر در جامعه و محیط اطراف خود معرفی نشده‌اند و نقش اجتماعی زنان در هیچ یک از این کتب مورد توجه قرار نگرفته است. موضوع خلقت زن و مرد و دیدگاه اسلام در این زمینه از جمله موضوعاتی هستند که در کتب درسی این مقطع مورد غفلت قرار گرفته‌اند. همچنین به اهمیت و قداست نقش مادری پرداخته نشده و فرصت ذیقیمت طرح این مبحث در دوره تأثیرگذار دبستان از بین رفته است درحالی‌که بیان اهمیت و ارزشمند بودن مادری هم برای دختران و هم برای پسران لازم است و می‌تواند شکل دهنده طرز تلقی آینده آنان درباره خانواده و اهمیت نقش مادری زنان به عنوان یکی از نقش‌های پررنگ و اثرگذار در زندگی بانوان باشد.

در مجموع میزان توجه کتب درسی به مسئله نقش‌های جنسیتی متناسب با نیاز موجود و همچنین سیاست‌های اتخاذ شده در این حوزه ارزیابی نمی‌شود و به نظر می‌رسد لازم است در این مورد بازنگری صورت گیرد.

فهرست منابع

- ابن سینا (۱۳۷۵) الاشارات والتنبیها، قم: ج اول، نشر البلاغه.
- احمدی، فاطمه و تشکری، زهرا. (۱۴۰۰). تاثیر خانواده در جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی از دیدگاه اسلام و فمینیسم. پژوهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده، ۶۵-۵۳. magiran.com/p2379752
- احمدی، غلامعلی؛ امینی زرین، علیرضا و مهدی زاده تهرانی، آیدین. (۱۳۹۹). آموزش هوشیار به جنسیت، رویکردی نو در موضوع عدالت جنسیتی. فصلنامه خانواده و پژوهش، ۹۹-۱۲۰.
- <http://qjfr.ir/article-1-1709-fa.html>
- اسماعیل زاده، محدثه؛ مهram، بهروز و وکیلی، هادی. (۱۴۰۱)، تحلیل محتوای کتاب‌های درسی مقطع متوسطه اول از حیث توجه به نقش زن: حاکمیت رویکرد اسلامی یا فمینیسم، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۷، ۱۸۱-۱۵۹. https://cwfs.ihu.ac.ir/article_207167.html
- افشانی، سیدعلیرضا، عسکری ندوشن، عباس، و فاضل نجف آبادی، سمیه. (۱۳۸۸). بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۱۷ (پیاپی ۲۴)، ۸۷-۱۰۷. <https://sid.ir/paper/441411/fa>
- بادانتر، الیزابت. (۱۹۹۸)، زن و مرد. انتشارات دستان.
- بستان، حسین. (۱۳۹۷)، جنسیت در خانواده از دیدگاه جامعه‌شناسی اسلامی، فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ۱۳ (۴)، ۳۷-۶۲. magiran.com/p2226420
- براتی، شهناز؛ مرادخانی، مهری و عنایت، حلیمه. (۱۳۹۳). تقسیم کار جنسیتی از دیدگاه اسلام. پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ۱۳۹-۱۵۴. magiran.com/p1282222
- برک، لورا. (۱۳۹۰). روانشناسی رشد، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، نشر ارسباران
- تاج مزینانی، علی اکبر و حامد، مهدیه. (۱۳۹۳)، بررسی تحول فرهنگ جنسیتی در کتب درسی (مطالعه ای تطبیقی پیرامون کتاب‌های فارسی اول ابتدایی سال‌های ۱۳۵۷، ۱۳۶۲ و ۱۳۸۲)، علوم اجتماعی، ۶۴، ۷۳-۱۰۴. magiran.com/p1347726
- حاضری، علی محمد و احمدپور خرمی، علیرضا. (۱۳۹۱)، باز نمای جنسیت در کتب فارسی مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸، زن در توسعه و سیاست، ۱۰ (۳)، ۷۵-۹۶. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2012.29483>
- حبی، محمداقبر. (۱۳۹۰)، بررسی تفاوت‌های جنسیتی در نشانگرهای اسلامی و ملی در گروهی از جوانان، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۵ (۱۷)، ۲۷-۴۴. https://cwfs.ihu.ac.ir/article_201561.html
- حسینی، س.م. (۱۳۸۳) تفاوت‌های جنسیتی از دیدگاه اسلام و فمینیسم. مطالعات راهبردی زنان، ۲۳، ۱۸۹-۲۱۹. magiran.com/p157996

حسینی فاطمی و آذرحیدریان، زهرا. (۱۳۸۹)، نمود جنسیت در کتاب های درسی زبان انگلیسی دوره دبیرستان و پیش دانشگاهی تحلیل واژگان و محتوا با رویکردی معیار-مدار مطالعات زبان و ترجمه، ۲، ۷۷-۹۲.

<http://noo.rs/1FaDT>

حسینی جیردهی، حسین؛ رضایت، غلامحسین؛ حاجی رستمی، قدرت و قنبری خانقاه، قاسم. (۱۳۹۲)، تحلیل فرهنگی فمینیسم لیبرال در منابع آموزش زبان انگلیسی امریکایی، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۸(۲۵)، ۱۱۲-۱۳۷.

رحمانی، طیبه و موسوی سیرجانی، سهیلا. (۱۳۹۱)، بررسی تصویر زن در کتاب های فارسی راهنمایی و دبیرستان، ادبیات پارسی معاصر، ۲(۲)، ۵۱-۸۲.

رحیمی، کبری؛ رحیمی، سعیدالله و دیانتی، محمد. (۱۴۰۰)، کارکرد آموزش و جنسیت در خانواده، پژوهش های میان رشته ای زنان، ۶۰-۴۹.

زیبایی نژاد، محمدرضا. (۱۳۹۱)، جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی، ناشر دفتر مطالعات و تحقیقات زنان. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، (۱۳۹۰)، شورای عالی انقلاب فرهنگی. صادقی، هادی. (۱۳۹۱) جنسیت و نفس. ناشر مرکز تحقیقات زن و خانواده.

صالحی، زهره. (۱۳۹۷)، عدالت جنسیتی و کتاب های جغرافیا دوره ی متوسطه اول، رشد آموزش جغرافیا، ۱۲۰،

عابدینی بلترک، میمنت؛ لیاقت دار، محمد جواد و منصوری، سیروس (۱۳۹۳)، بازنمایی نقش های جنسیتی در کتاب های درسی سال ششم دوره ابتدایی ایران، زن و جامعه، ۵(۲۰)، ۱۹-۳۴.

عبادی، سامان و ابراهیمی مرغل، بهمن. (۱۳۹۴)، بازنمایی جنسیت؛ تقدم در عبارت؛ تقدم در شغل؛ تقدم در نوع فعالیت؛ مجموعه ی «فارسی بیاموزیم»، پژوهش نامه ی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان،

عطازاده، مجتبی. (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی مفهوم جنسیت در اسلام و غرب، مطالعات راهبردی زنان، ۱۱(۴۲)، ۴۳-۷۸.

علم الهدی، جمیله. (۱۳۸۳)، جنسیت در تربیت اسلامی، پژوهش های تربیت اسلامی، ۵۲-۹۹. علیمددی، زهرا؛ والا، رضا و ناظم، فتاح. (۱۴۰۱)، بازنمایی جنسیتی در کتاب زبان انگلیسی دوره دوم متوسطه دبیرستان از منظر مولفه های نگاه نابرابر و تبعیض آمیز به زنان. ماهنامه علوم روانشناختی، ۲۱(۱۱)، ۵۵۹-۵۷۴.

فرهمندپور، فهیمه و بحرانی فرد، الهام. (۱۳۹۲)، بازنمایی نقش اجتماعی-سیاسی زنان در کتاب های درسی مقاطع ابتدایی و راهنمایی، زن در توسعه و سیاست، ۱۱(۴)، ۵۰۵-۶۱۰.

<https://doi.org/10.22059/jwdp.2014.50291>

- فروتن، یعقوب. (۱۳۸۹)، جامعه پذیری جنسیتی در کتاب های درسی مدارس ایران، زن در توسعه و سیاست، ۸(۳)، ۱۹۵-۲۱۶. <http://noo.rs/HHxId>
- فروتن، یعقوب. (۱۳۹۰). بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۲۹(پیاپی ۳۳)، ۳۹-۷۸. <https://sid.ir/paper/55429/fa>
- فروتن، یعقوب، (۱۳۹۰) ب، زنان و زبان: بازنمایی هویت جنسیتی در کتاب های زبان های فارسی، عربی و انگلیسی مدارس ایران، مطالعات اجتماعی-روانشناختی زنان، ۲۸، ۱۶۱-۱۸۱. <https://doi.org/10.22051/jwsp.2011.1402>
- فریدمن، ج. (۲۰۱۹). فمینیسم. انتشارات آشیانه.
- کاردان حلویی، ژیلا؛ فتحی آذر، اسکندر و ادیب، یوسف. (۱۳۹۵)، بررسی تجارب دانشجویان دختر از انعکاس مفهوم جنسیت در کتب درسی دوران تحصیلی، پژوهش های کیفی در برنامه ریزی درسی، ۱(۴)، ۹۵-۷۰. <https://doi.org/10.22054/qric.2016.7493>
- کریمی، سیدبهاءالدین؛ ادیب، یوسف؛ محمودی، فیروز و بدری گرگری، رحیم (۱۳۹۹). شناسایی و مقایسه سبک های یادگیری بر اساس جنسیت، موضوع درسی، و پایه تحصیلی با تأکید بر روش تحلیل خوشه ای. سلامت روانی کودک، ۷(۳)، ۱۹۳-۲۰۴. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.24233552.1399.7.3.3.9>
- موسوی، سیدفاطمه و دهشیری، غلامرضا. (۱۳۹۵)، بازخوانی دیدگاه پژوهشگران معاصر به تعلیم و تربیت مبتنی بر جنسیت: مدل تناسب، تعادل و تکمیل، علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۴(۷)، ۲۱-۴۴. <https://doi.org/10.30497/edus.2016.61443>
- نوریان، محمد. (۱۳۸۵). نقشهای زنان و مردان در کتابهای فارسی دوره ابتدایی. روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)، ۳(۹)، ۲۵-۳۴. <https://sid.ir/paper/101502/fa>
- هاشمی، سهیلا، و شهرآرای، مهرناز. (۱۳۸۷). بررسی باورها و ارزش های دانش آموزان. خانواده. و کتاب های درسی درباره تساوی جنسیت. مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان (مطالعات زنان)، ۶(۲)، ۲۷-۴۶. <https://sid.ir/paper/441895/fa>
- Lee, J.F.K. (2014). "Gender representation in Hong Kong primary school ELT textbooks – a comparative study ." Gender and Education, 26, 4, 356 –376. <https://doi.org/10.1080/09540253.2014.916400>
- Xiangmei, I. (2016). "Holding up half the sky? The continuity and change of visual gender representation in elementary language textbooks in post-MaoChina. Asian Journal of Womenss Suudsss". 22,4, 477 –496 <https://doi.org/10.1080/12259276.2016.1242945>

